



احمد غلامی

انسان‌ها از تهیای می‌ترسند، از این‌رو است که جامعه سیاسی پدید می‌آید. اسپینوزا باور دارد «جامعه سیاسی» نه براساس عقل، بلکه بر پایه انفعالات ساخته شده است؛ انفعالاتی همانند «امید مشترک، هراس مشترک یا گرفتن تقاض خسراتی مشترک». اگر با این عقیده اسپینوزا هم‌داستان باشیم، این انفعالات یا به معنای دیگر این «حالات‌ماهه‌ها» هستند که بر شکل‌گیری جامعه سیاسی حکم می‌رانند، نه عقل. با پذیرش این نکته، با پرسشی اساسی‌تر روبه‌رو خواهیم شد؛ اینکه در وضعیت بحرانی کنونی که حال‌ماهه‌ها همچون امواج سهمگین، جامعه سیاسی را مانند کشتی بی‌لنگر بر امواج و صخره‌ها می‌کوبند، چه باید کرد؟ برخی را امیدی مشترک گردهم آورده و بسیاری را تقاض خسراتی مشترک، و در نهایت هراسی مشترک. از میان این انفعالات هراس و امید از توان بیشتری برای شکل‌دادن به «انبوه خلق» برخوردارند. اگر بخوایم براساس همین انفعالات پیش برویم باید اعتراف کنیم که امید در شرایط کنونی چندان نمی‌تواند به انجام جامعه سیاسی بینجامد؛ پس باید برای شکل‌گیری این انسجام، توان انفعالات دیگر را شناسید. هراس مشترک یکی از قدرتمندترین حال‌ماهه‌ها برای انسجام سیاسی است، اما ناگفته پیداست که از این توان در مقاطع مختلف برای اتحاد و انسجام‌بخشیدن به جامعه سیاسی چنان بی‌رویه بهره‌برداری کرده‌اند که کارایی خود را از دست داده است. این‌توان بیش از هر چیز در دوره‌های مختلف انتخابات به شیوه‌های متفاوت تحلیل یافته است. اغراق نیست اگر بگوییم اغلب دولت‌های ایران از حال‌ماهه هراس بسیار سود برده‌اند، تا آنجا که امروزه به ندرت هراسی می‌تواند به انسجام جامعه سیاسی منجر شود. دست بر قضا در همین وضعیت است که درستی سخن اسپینوزا اثبات می‌شود: «از آنجا که انسان‌ها بیش از آنکه تحت هدایت عقل باشند تحت هدایت انفعالات‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که اگر انبوه خلق طبیعتاً هماهنگ نشود و پذیرد که یک ذهن واحد اداره‌اش کند، این رضایت و پذیرش نه تحت هدایت عقل، بلکه تحت تأثیر چند انفعال مشترک است». در وضعیت کنونی نیز هدایت عقل چندان جایگاهی ندارد و هرکسی بنا بر موقعیت و حال‌ماهه‌هایی که در غیاب یک حال‌ماهه مشترک، با جامعه‌ای متلاطم مواجه شده‌ایم. بی‌تردید هیچ دریایی همواره متلاطم و آشوبناک باقی نخواهد ماند و ناگزیر انفعالی بر انفعالات دیگر غلبه خواهد کرد. اسپینوزا باور دارد حیاتی‌ترین چیز صیانت از نفس (خود) است. آنچه عیان است جامعه سیاسی روزبه‌روز به مرحله‌ای که باید از خود و بقایش صیانت کند، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. سیاست بقا «ترس» را دوباره به میدان می‌آورد، ترس از چیزی یا کسی که بقایش را تهدید می‌کند. در این وضعیت است که ترس به «قهر»، استحاله می‌یابد و قهر قدرت فرآیندهای به جامعه انسانی می‌دهد، تأکید بر «جامعه انسانی» از این‌رو است که در این وضعیت، انفعالات دیگر برای دفاع از بقا به تعلیق درمی‌آید. اسپینوزا معتقد است «قهر عبارت است از نترفتی که به کسی احساس می‌کنیم که موجودی همانند ما را آزار می‌دهد؛ و ما این نترت را به سبب حال‌ماهه‌های قربانی احساس می‌کنیم، با شدتی که هرچه قربانی بیشتر همانند ما باشد بیشتر است...». جامعه انسانی پایداری چندانی ندارد، از این‌رو با رفع خطر دوباره در تهاجم انفعالات قرار می‌گیرد، اما برای گذر از وضعیت آشوبناک انفعالات، «قهر» تنها ویژگی انسانی است که قادر است جامعه سیاسی را مجدداً احیا کند. در اینجا نیز عقل نقشی جدی ندارد. اما این فرصت را فراهم می‌کند تا جامعه سیاسی دوباره به عقلانیت دست پیدا کند. البته تلقی اسپینوزا این نیست که از دل وضعیت قهرآمیز، جامعه سیاسی شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد، بلکه او جامعه سیاسی را هم ادامه انفعالات انسانی و دستخوش آن می‌داند: «انسان‌ها دستخوش انفعالاتشان هستند و جامعه سیاسی ضرورتاً به دلیل همین انفعالات وجود دارد». اسپینوزا مخالف قراردادگرایی به شیوه روسو، لاک و هابز است. بدیع و شکفت‌انگیز بودن نظرات او نیز از همین مخالفت با قراردادگرایی خاصه به شیوه هابز نشئت می‌گیرد که البته بحث مفصلی است.

«برای نوشتن این یادداشت از کتاب «اسپینوزا، اخلاق، سیاست» نوشته الکساندر مرون، ترجمه عادل منشی‌بخ، نشر چشمه استفاده شده است.

شرق

روزنامه

شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۴
۲۴ رمضان ۱۴۴۷
۱۴ مارس ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۴۶
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه



اولین پیام
آیت‌الله سیدمجتبی
خامنه‌ای

در «شرق» امروز می‌خوانید: زخم‌های جنگ بر صحنه فرهنگ • معمای رادارهای خاموش پکن • حمید هیراد به خانه ابدی بدرقه شد • آسیب به ۳۴۹ نقطه پایتخت در جنگ

برگزیده‌ها

تشیع فرماندهان و شهدای «جنگ رمضان» با حضور گسترده مردم در تهران

وداع با شهدا

کزارش میدانی «شرق» از موشکیاران چند مجتمع مسکونی در یکی از خیابان‌های رسالت که جان خیلی‌ها را گرفت

فاجعه جنگ در «جابرودی»

افزایش شدید قیمت نفت به پکن ضربه محکمی وارد نمی‌کند

چین از بحران پیروز بیرون می‌آید؟

روایت علیرضا شیرازی از حذف گسترده سایت‌های ایرانی از نتایج جست‌وجوی گوگل

سقوط سنو

نگاه

ما را چه شده؟

یادداشتی از یوبا نعمت‌الهی

اهمیت افتراق رفتاری ترامپ و نتانیاهو برای ما

یادداشتی از محمدرضا جلالی

یادداشت

کد هرمز

فروپاشی هژمونی در تلاطم نفت و خون



علیرضاجایی

آنچه در ۲۴ ساعت گذشته در پهنه آبی خلیج فارس و تنگه هرمز رخ داده است، صرفاً یک تنش نظامی نیست؛ «نقطه عطف تاریخی» در جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق است. تنگه هرمز اکنون از یک ابراهه بین‌المللی به «اتاق فرمان اقتصاد جهانی» تبدیل شده است؛ جایی که هر حرکت در آن، لرزه‌ای بر اندام بورس نیویورک و معیشت شهروندان کالیفرنیا می‌اندازد. گزارش‌های واصله نشان می‌دهد که دکترین فشار حداکثری اکنون به درد حداکثری برای عاملان آن تبدیل شده است.

۱- کالبدشکافی اقتصادی؛ نفت صد دلاری و سقوط «رؤیای آمریکایی»

رسیدن قیمت نفت به مرز صد دلار و عبور نفت عمان از ۱۳۵ دلار، تیر خلاصی بر بیکر اقتصادی بود که هنوز از زخم‌های دوران کرونا و تورم‌های پیاپی رها نشده است.

- بزین؛ پاشنه آشیل ترامپ؛ وقتی قیمت گازوئیل در کالیفرنیا از شش دلار عبور می‌کند، یعنی زنجیره تأمین کالا در آمریکا فلج شده است.

جناب آقای دکتر افشین جعفرزاده خانواده محترم جعفرزاده و سایر وابستگان

درگذشت پدر عزیزتان، استاد ارجمند و فرهنگی خوشنام مرحوم رسول جعفرزاده را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنیم. از پروردگار جهانیان برای آن مرحوم شادی و آرزوی و برای بازماندگان شیکبایی و بردباری طلب می‌کنیم.

امین آرین راد، بابک آشتیانی، حمید احمدی مجد اردشی، افشار اعتمادی آل آقا، آرمان امیری کاوه بیان، فرامرز بیگلرلو، علی حاج قاسمعلی داریوش رحمانیان، غلامحسین زرگری نژاد، حسین مجتهدی حسین ملک ختایی، کامران ناصری، علی هوشمند احسان هوشمند



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سیدعلی کزازی

«شرق» از برگزاری مراسم روز جهانی قدس در چهاردهمین روز جنگ تحمیلی به ایران گزارش می‌دهد

راهپیمایی روز قدس در سایه جنگ و شجاعت

یادداشت

نعل وارونه شورای امنیت؛ ذبح حقوق بین‌الملل و بشردوستانه



صالح تفره‌کار
وکیل دادگستری

وضعی تحمیلی ندارد اما می‌تواند گامی برای پروژه‌های خطرناک بعدی باشد و باید هوشیار بود.

۵- نهادهای مدنی و کنشگران مستقل و انسان‌رسانه‌ها نیز وظیفه دارند وطن‌پرستانه پای کار ایران بیایند. در شرایطی که اکوسیستم شهروندی و محیط‌زیستی ما در معرض گزند و هجمه شیخونی دشمن است، وظیفه ما در همدلی و هم‌گرایی و اهتمام در حمایت از قوه دفاعی وطن و تاب‌آوری جمعی جدی است. قوه قضائیه نیز باید مبادرت به تمهیداتی برای ثبت شکایت و مستندسازی حقوقی غرامت و خسارت جانی و مالی کند و یک برنامه‌ریزی حقوقی قیبل و چین و بعد جنگ رقم بخورد. پذیرش موردی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی که جنایات جنگی را تحت تعقیب قرار دهد نیز می‌تواند راهی برای دادخواهی در قلمرو حقوق بین‌الملل باشد.

۶- دولت‌های مباشر و معاونت‌کننده که قلمرو سرزمین خود را در اختیار متجاوز قرار می‌دهند، باید مسئولیت رفتار خود را بپذیرند. نظام رزنی و هنجاری حقوق بشردوستانه در تنظیم رفتارهای نام جنگ و تفکیک نظامیان از غیرنظامیان دلالت‌هایی دارد. پاسخ‌گوسازی جانیانی که ۲۱ هزار و ۷۲۰ منطقه غیرنظامی و ۱۶۰ مرکز درمانی و ۶۹ مدرسه و ۱۶ مرکز لال‌احمر و ۱۱ دستگاه امداد و نجات را تخریب کردند و از زند پلیس و کلانتری‌ها و کارگران تأمین نظم عمومی ایابی نداشتند، همه قابل پیگرد بین‌المللی است. فاجعه مدرسه منیاب نباید هیچ‌گاه عادی‌سازی شود. با چشم‌مان باید از همه ابزارها برای دفاع از وطن استفاده کنیم. از رسانه و کنش تا اقدامات حقوقی الزم‌بخش و مدیریت افکار عمومی برای روشنگری جنایات، همه بخشی از این وظایف ملی است.

یادداشت

واقعیت و سراب مجازی



مهررداد احمدی شیخانی

برای آنکه کاربر تبلیغ بیشتری ببیند، لازم است که او را مدت‌زمان بیشتری در شبکه نگه داشت و چهارم) برای آنکه کاربر زمان بیشتری در شبکه بماند باید آن چیزی را که او دوست دارد برایش به نمایش گذاشت. اگر تجربه عضویت در شبکه مجازی را داشته باشید، حتما متوجه شده‌اید که این شبکه‌ها (مثلاً اینستاگرام) دقیقاً همان چیزهایی را به شما عرضه می‌کنند که مورد علاقه شماست و این را به کمک هوش مصنوعی و سنجش لایک‌های شما و توقفتان روی هر پست یا اشتراک‌گذشتن و ذخیره‌کردن و ارسال برای دیگران انجام می‌دهند.

مثلاً اگر شما عقایدی ضد مهاجرت داشته باشید، پست‌های افراد مهاجرستیز برایتان بیشتر به نمایش درمی‌آید و اگر طرفدار آزادی مهاجرت باشید، مطالب و نظرات موافقان آزادی مهاجرت را بیشتر خواهید دید؛ به‌گونه‌ای که در مورد اول، انگار همه جهان مهاجرستیزند و در مورد دوم، گویی همه مردمان جهان موافق آزادی مهاجرت هستند. حالا و پس از این توضیح فشرده، می‌توان به پرسش اول بازگشت که اشتباه محاسباتی ترامپ از کجا آمده است؟ زمانی که ترامپ برای اولین بار برخلاف همه پیش‌بینی‌ها و نظرسنجی‌ها و تلویزیون معتبرترین رسانه‌های آمریکا و جهان رئیس‌جمهور شد، گفته شد که او رئیس‌جمهور عصر شبکه‌های مجازی است و این شبکه‌ها او را رئیس‌جمهور کردند و علاقه شخص او نیز به این شبکه‌ها سبب شد خودش شبکه‌های مجازی را رانداندازی کند و حرف‌هایش را آنجا منتشر کند. یا این اصطلاح «تویتری شدن سیاست» یعنی شاید پس از ریاست جمهوری ترامپ بود که مصطلح شد؛ طوری که حالا، هر سیاست‌مداری در هر گوشه جهان، حرفش را ابتدا در تویتر سابق یا شبکه ایکس کنونی منتشر می‌کند. اما همین همه‌جانبه‌شدن سیاست شبکه مجازی، آن ویژگی را که شبکه چیزی به تو نشان می‌دهد که دوست داری ببینی، به همراه دارد.

بارها از این نوشته و گفته‌ام که «حواسمان باشد تا آرزوهایمان را تبدیل به خبر و تحلیل نکنیم» و به یاد دارم که در این اولین بار حدود سه دهه پیش در یادداشتی نوشتم. اما چرا دوباره به این موضوع بازگشتم؟ در این دو هفته‌ای که کشور برای دومین بار در یک سال درگیر جنگ با آمریکا و اسرائیل شده، بسیاری در گوشه‌گوشه جهان از این گفته‌اند که ترامپ برای ورود به این جنگ، دچار اشتباه محاسباتی شده است و گذشت این دو هفته و آنچه شاهد بودیم، درستی این گزاره را تا حدود زیادی تأیید می‌کند. اما چرا کشوری مانند آمریکا، با آن همه مراکز اطلاعاتی و پژوهشی دولتی و خصوصی و بهترین مراکز خبری و زنده‌ترین تحلیلگران، مرتکب چنین اشتباه محاسباتی‌ای شده است که در مقابل این ادعای ترامپ که «من مانند رؤسای جمهوری پیشین آمریکا نیستم که در مقابل ایران دست روی دست بگذارم»، یکی گفته است «حالا ترامپ متوجه شده که چرا هفت رشتین جمهور قبلی با ایران جنگ نکردند». اما این اشتباه و اختلاف محاسباتی ترامپ با رؤسای قبل از خود از کجا آمده است؟ برای فهم دلیل این اشتباه محاسباتی، لازم است تا تفاوتی را که امروز در نگرش به جهان نسبت به گذشته پدید آمده، متوجه شویم. پنجره‌ای که هر انسان از آن به جهان پیرامونش می‌نگرد، گستره‌ای محدود دارد. این گستره محدود، با پاکبیری رسانه‌ها در دوران پس از رنسانس در اروپا، به مرور وسعت یافت و بشر به مرور توانست دریافت گسترده‌تری از جهانی که در آن زندگی می‌کند، به دست آورد و با گسترش رادیو و تلویزیون در جوامع، این دریافت حداکثری شد. در این بین، این رسانه‌ها بودند که تصمیم می‌گرفتند تا مردم چه ببینند و چه نبینند و الزاماً مردم آنچه از رسانه‌ها می‌دیدند یا آنچه در رسانه‌های نوشتاری می‌خواندند، حتی اگر رسانه مطلوب خود را انتخاب می‌کردند، تماماً آن چیزی نبود که دوست داشتند ببینند یا بخوانند. با ورود به عصر دیجیتال، عصر رسانه‌هایی متفاوت با گذشته آغاز شد؛ عصری که در ابتدا از آن به‌عنوان «عصر رسانه‌های دوسویه» یاد می‌شد ولی حالا و بعد از گذشت یک ربع قرن از گسترش و همه‌گیرشدن آن، شاید لازم باشد عنوان مناسب‌تری برایش یافت. رسانه‌های عصر دیجیتال که این ویژگی دوسویه را با خود دارند یا همان شبکه‌های مجازی (سوشال‌مدیا)، عملکردی چهار مرحله‌ای را برای خود در جهت رسیدن به هدف طراحی کرده‌اند؛ هدفی که در جهان سرمایه‌داری، به این چهار مرحله به این قرار است: اول) سود شبکه اجتماعی در انتشار تبلیغات است، دوم) این سود وقتی محقق می‌شود که کاربر تبلیغ بیشتری